

| به نام خدا

سرشناسه: مک کواری، جان ۱۹۱۹ - ۲۰۰۷ Macquarrie, John
عنوان و نام پدیدآور: مارتین هایدگر/جان مک کواری؛ ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص + ده ص
فروست: پدیدآوردگان الهیات جدید؛ ۲
شابک: ۸-۸۰۷-۳۶۳-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Heidegger, Martin.
یادداشت: چاپ قبلی: گروس، ۱۳۷۶.
موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۹۷۶.۱۸۸۹ م.
موضوع: Heidegger, Martin
شناسه افزوده: حنایی کاشانی، محمدسعید، ۱۳۳۸-، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ م ۷ ۲۹ م / ۳۲۷۹B
رده بندی دیویی: ۱۱۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۹۲۵۷۸

مارتین هایدگر

جان مک کواری
محمد سعید حنایی کاشانی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Martin Heidegger

John Macquarrie

Lutterworth Press, 1968

مارتین هایدگر (ویراست سوم)

جان مک‌کواری

ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ چهارم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: امیر

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



تقديم به ايان هندرسن

مؤلف

تقديم به آزاده جانان

مترجم

درباره نویسنده

جان مک کواری (۱۹۱۹-۲۰۰۷)، خداشناس و فیلسوف اسکاتلندی، و از کشیشان وابسته به کلیسای انگلستان بود. او در دانشگاه گلاسگو فلسفه و خداشناسی آموخت و در انگلستان و آمریکا به تدریس «خداشناسی نظام‌مند» یا «خداشناسی سیستماتیک» (رشته‌ای از خداشناسی مسیحی که در آن نظم و ترتیب و انسجام تعالیم دینی و نیز سازگاری آنها با عقل مقصود است) پرداخت که خود یکی از نمایندگان برجسته آن به شمار می‌رفت. او همچنین یکی از برجسته‌ترین شارحان اندیشه‌های هایدگر و بولتمان و وجودگرایی در جهان انگلیسی‌زبان در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به شمار می‌رفت و کتاب‌هایی پُرشمار در این باره به قلم آورد و ترجمه مشترک او به همراه رابینسون از هستی و زمان هایدگر همچنان یکی از معتبرترین ترجمه‌ها در زبان انگلیسی است. از جمله کتاب‌های او می‌توان نام برد از: خداشناسی وجودگرا (۱۹۵۵)، گستره اسطوره‌زدایی (۱۹۶۰)، اصول خداشناسی مسیحی (۱۹۶۶)، ایمان مردم به خدا (۱۹۷۲)، میانجی‌ها میان بشر و خدا: از موسی تا محمد (۱۹۹۶). کتاب حاضر، مارتین هایدگر (۱۹۶۸)، نخست در سال ۱۳۷۶ (انتشارات گروس) منتشر شد که ویراست دوم آن از سال ۱۳۹۳ به بعد (۱۳۹۶، ۱۴۰۰) در انتشارات هرمس به چاپ رسیده است. کتاب دیگری از او، به قلم همین مترجم، وجودگرایی (۱۹۷۲)، نیز که از پُرخواننده‌ترین کتاب‌ها در جهان انگلیسی‌زبان درباره «وجودگرایی» به شمار می‌رود، ترجمه فارسی آن نخست در سال ۱۳۷۶ با عنوان فلسفه وجودی، و ویراست دوم آن با عنوان وجودگرایی در سال ۱۳۹۹، انتشارات هرمس، منتشر شده است.

فهرست

۱	پیش‌گفتار.....
۳	۱. زندگی.....
۵	حسب حال.....
۱۱	سال‌شمار زندگی هایدگر.....
۱۹	۲. تفکر.....
۲۱	هستی و وجود.....
۳۱	تحلیل وجودی.....
۳۹	در - جهان - بودن هرروزی.....
۴۷	توضیحی بیش‌تر در خصوص در - جهان - بودن ..
۶۱	به سوی وجود اصیل یا از - خود - بوده.....
۷۱	زمانمندی و تاریخ.....
۸۳	معنای هستی.....
۹۷	۳. اهمّیت.....
۹۹	دستاوردها.....
۱۱۳	شرح مصطلحات.....
۱۱۷	نمایه.....

پیش‌گفتار

گنجاندن نام مارتین هایدگر در مجموعه کتاب‌هایی که به بحث از «پدیدآورندگان خداشناسی یا علم کلام معاصر» اختصاص دارد شاید عجیب به نظر آید، زیرا هایدگر خداشناس یا متکلم نیست بلکه فیلسوف است و اغلب به همین سان فیلسوفی کاملاً سکولار یا غیردینی نیز محسوب می‌شود. با این وصف، به نظر من درست خواهد بود که بگویم بدون قدری آشنایی با تفکر هایدگر بعید است که کسی بتواند امیدوار به پیشرفت بسیاری در فهم خداشناسی معاصر باشد. نفوذ تفکر او در همه جا مشهود به نظر می‌آید: در اسطوره‌زدایی و مسأله علم هرمنوتیک؛ در تعلیم درباره انسان؛ در نظریه‌های مربوط به وحی؛ در بحث درباره خدا؛ و در دیگر مطالبی علاوه بر اینها. او خود گرچه خداشناس نیست، پدیدآورنده مباحث خداشناسی است، به همان نحو که افلاطون و ارسطو و کانت پدیدآورنده مباحث خداشناسی بوده‌اند.* بنابراین ما برای گنجاندن نام او در این مجموعه

* نویسنده در اینجا از اشتراک لفظی theology در میان فیلسوفان مورد بحث، و همچنین مسیحیت، سود جسته است و حال آنکه معنای تاریخی این اصطلاح، چنان‌که خود نیز می‌داند، در هریک از این افراد، و همچنین مسیحیت، متفاوت است. اصطلاح theology در سنت مسیحی و اسلامی به دلیل تلقی

هیچ عذری نمی‌آوریم. فلسفه هایدگر جانشینی برای خداشناسی مسیحی نیست و یقیناً سلطه آن بر کار خداشناس یا متکلم روا نخواهد بود، اما این قدر هست که این فلسفه نوعی چارچوب مفهومی فراهم می‌کند که خداشناس اگر بخواهد ایمان مسیحی را با کلمات مفهوم برای جهان امروز بیان کند بدان نیازمند است.

جان مک‌کواری

Union Theological Seminary,

نیویورک سیتی،

آوریل ۱۹۶۷

خاصّ این دو دین از اصول اعتقادی و نسبتی که با فلسفه یونانی داشته‌اند تاریخ و معادل یکسانی نداشته است. اصطلاح «الهیات» در ترجمه‌های آثار یونانی به عربی در برابر theologia به معنای ارسطویی این کلمه می‌آید و چنان که می‌دانیم مراد ارسطو از این کلمه اشاره به دانش مستقلی است که به مبادی و علل اولای هستی می‌پردازد و لذا آن را «فلسفه اولی» نیز می‌نامد، چیزی که بعدها نام «متافیزیک» یا «مابعدالطبیعه» می‌گیرد. (به تعبیر امروزی اگر بخواهیم بگوییم، «تئولوگیا»ی ارسطویی اسطوره‌زدایی «تئوگونیا»ی هسیودی و اورفئوسی است، بدین معنا که ارسطو توسّل به خدایان را در اساطیر یونانی تبیینی ملاحظه می‌کند و نه ایمانی) اما اصطلاح دیگری که در جهان اسلام پدید آمده است (و کسی به یقین نمی‌داند چطور و چرا این نام را دارد!) «علم کلام» است و این علم در مباحث و موضوعات خود بسیار به «الهیات» یا «خداشناسی» مسیحی نزدیک است، گرچه اشتقاق تاریخی و تکوین آن به صورت متداول در مسیحیت نبوده است. رواج اصطلاح «الهیات» به معنای مباحث کلامی (که آن را نباید با بحث‌های صرفاً خداشناختی یکی پنداشت، چرا که مهم‌ترین وظیفه این علم به دست دادن تعریف و معیار «صحیح» از اعتقاد و ایمان است) متعلق به سال‌های اخیر است. در اینجا ما از سنت فلسفی قدیم پیروی می‌کنیم و چون و چرا با نویسنده مقاله «مقدمه‌ای درباره الهیات» (شهرام پازوکی، ارغنون، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۱-۱) را به فرصتی دیگر و جایی دیگر و می‌گذاریم. — م.

۱

زندگی

حسب حال

مارتین هایدگر، با هر معیاری، می‌باید از جمله بزرگ‌ترین و مبتکرترین فیلسوفان قرن بیستم به شمار آید. نفوذ او از رشته علمی خود او بسیار فراتر رفته است. علاوه بر فیلسوفان، می‌باید خداشناسان یا متکلمان و روان‌پزشکان و تاریخ‌نگاران و بسیاری دیگر را برشمرد که از کار هایدگر بصیرت‌هایی اندوخته‌اند و آنها را برای وظایف خاص خودشان به کار بسته‌اند.

هایدگر در سال ۱۸۸۹ در مسکیرش، در ناحیه بادن، دیده به جهان گشود. بدین سان او از نواحی روستایی جنوب غربی آلمان برخاسته است و با زندگی اجتماع کشاورزی بار آمده است. اما فلسفه او با اینکه ظریف و پخته است، چیزی از این شیوه ساده و آغازین زندگی را در خود نهفته دارد. فلسفه هایدگر واجد نوعی حالت زمینی است که او را از پریدن به قلمروهای دوردست تفکر نظری بازمی‌دارد، یعنی آن کاری که بسیاری از حکمای آلمانی [German sages] انجام داده‌اند. شاید همین زمینه روستایی تربیت او بوده است که در زمانه‌ای که کسی قدر شعر را نمی‌شناسد و شعر به ضعف مفرط گراییده است به او در حفظ علاقه به شعر یاری رسانده است. اصل و نسب هایدگر نیز شاید او را در حفظ موضع مستقل و انتقادی و تقریباً پیامبرانه‌اش در عصر